



روان‌شناسی: علمی در تعارض؟

آینده روان‌شناسی

نوشته

دکتر محمد مجتهد

مترجمان

دکتر حمید لطفی

دکتر حمید فرجی

سرشناسه

: هاوارد اچ. کندلر H. Kendler, Howard ۱۹۱۹ - م.

عنوان و نام پدیدآور

: روان‌شناسی: علمی در تعارض ۴/ آینده روان‌شناسی، هاوارد اچ. کندلر؛ مترجمان: جمشید فرجی، حمید لطفی.

مشخصات نشر

: ساری: انتشارات سنخ عاشقان

مشخصات ظاهری

: ۱۳۲ ص. ۲۴×۱۷ س. م ج ۴

شابک

: ج ۱ ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۳۳۷-۸-۰ ۲ ج ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۳۳۷-۹-۷ ۳ ج ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۳۳۷-۱۰-۸ ۴ ج ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۴۹-۱-۵

: ج ۴ ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۴۹-۱-۵ دوره ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۴۹-۳-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Psychology: A science in conflict, c1۹۸۱

یادداشت

: کتابنامه

مندرجات

: ج ۱. روان‌شناسی. - ج ۲. موضوع و روشها. - ج ۳. روش‌شناسیها در روان‌شناسی. - ج ۴. آینده روان‌شناسی

موضوع

: روان‌شناسی - فلسفه

موضوع

: Psychology-- Philosophy

شناسه افزوده:

: ای، حمید، ۱۳۴۲ - مترجم

شناسه افزوده:

: فرجی، جمشید، ۱۳۴۵ - مترجم

رده‌بندی کنگره

: ۳۹۵ ر. ک. ۳۸ / BF

رده‌بندی دیویی

: ۱۵۰/۱

شماره کتابشناسی ملی

: ۴۴۹۶۰۴۴

نام اثر: روان‌شناسی: علمی در تعارض ۴/ آینده روان‌شناسی

نویسنده: هاوارد اچ. کندلر

مترجمان: حمید لطفی - جمشید فرجی

نوبت چاپ: ۱۲

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص. ۲۴×۱۷ س. م ج ۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۴۹-۱-۵

قطع: وزیری

شمارگان: ۵۰۰ قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق © برای ناشر محفوظ است

انتشارات
سنگ

Senkh.Asheqan@gmail.com

ساری، خیابان شیخ طبری، پلاک ۶۸

۰۱۱ - ۳۳۳۱۱۵۵۶ - ۳۳۳۱۱۷۸۹

فهرست

۷.....	اشاره
۹.....	درباره نویسنده کتاب
۱۳.....	پیشگفتار
۱۷.....	فصل ۸. روندهای آتی در روان‌شناسی
۲۰.....	وضعیت کنونی روان‌شناسی
۲۰.....	وضعیت روان‌شناسی معاصر
۳۶.....	روندهای آتی در روان‌شناسی
۳۶.....	تفاسیر عصب- فیزیولوژیایی رفتار
۴۶.....	تمرین‌های پژوهش‌های رشدی و تطبیقی
۵۴.....	تحقیقات ارزشیابانه
۶۲.....	کل‌گرایی در مقابل جزء‌گرایی و عقل‌گرایی در مقابل تجربه‌گرایی
۶۳.....	جزء‌گرایی در مقابل کل‌گرایی
۷۰.....	برآیند‌نگری
۷۴.....	یک ملاحظه منطقی

۷۴..... خلاصه

۷۵..... خردگرایی در مقابل تجربه گرایی

۸۲..... روان درمانی

۹۲..... پارادایم پردازش اطلاعات

۱۰۹..... پس نوشت

۱۱۱..... مآخذ

www.ketab.ir

کتاب «روان شناسی: علمی در تعارض»: متشکل از ۸ فصل و پس‌نوشتی در یک صفحه است. این پس‌نوشت در متن اصلی در انتهای فصل ۸، ولی در فهرست با شمارگان ۹ و مستقل درج شده است، ما هم به تبعیت از متن آن را در متن ترجمه در آخر فصل ۸ گنجانده‌ایم.

اشتغال مترجمان به امور متعدد علمی و پژوهشی موجب تأخیر در چاپ و عرضه یکپارچه این کتاب شده است. بنابراین بر آن شدیم که فصولی را که آماده می‌شود به تناسب حجم و فصل به چاپ بیاوریم. به نظر این امکان متصور است که غیر از دو فصل ۶ و ۷ که درباره ملاحظات شناخت‌شناسی و روان‌شناختی ارزشیافته بقیه فصول به فاصله ای اندک از یکدیگر به چاپ برسند.

این کتاب ابتدا در ۹ جلد و سپس به صورت یکپارچه و در یک مجلد عرضه خواهد شد. فصول ۱ و ۲ در جلد اول؛ فصل ۳ و ۴ در جلد دوم؛ فصل ۵ در جلد سوم؛ فصل ۸ و پس‌نوشت در جلد چهارم و فصل ۶ و ۷ در جلد پنجم خواهد آمد. عناوین فصول کتاب به این قرار است: فصل ۱: طرحها و اهداف؛ فصل ۲ و ۳: اساس داده‌ها و موضوع روان‌شناسی؛ فصول ۴ و ۵: روشهای فهمیدن در روان‌شناسی؛ فصول ۶ و ۷: به ترتیب ملاحظات شناخت-شناسی و روان‌شناختی ارزشیافته، فصل ۸: روندهای آتی در روان‌شناسی.

این کتاب به مقتضای بحث برای دروس متفاوتی می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. از جهت طرح شیوه‌های فهمیدن در روان‌شناسی مناسب به دانش‌نظری روش تحقیق؛ و به لحاظ مقایسه رویکردهای روان‌شناختی با یکدیگر مناسب درس مکاتبات و تاریخچه روان‌شناسی؛ به جهت اعتبارسنجی داده‌های معرفتی رویکردها، مناسب درس معرفت‌شناسی؛ از نظر تماشگری، فرانگری و فراتحلیلی جریانهای تولید معرفت در حوزه روان‌شناسی، مناسب درس فلسفه علم روان‌شناسی؛ و به لحاظ استنباطی که می‌توان در فصول مختلف از تعاملات بین ذهن و بدن در حوزه روان‌شناسی داشت و ترسیم رویکردهای آتی در این زمینه و نیز طرح تحلیلی و روش-شناختی نظریه تکامل در برخی صفحات، مناسب سرفصلهایی از درس نوروسایکولوژی است.

اگرچه سطح نسبتاً دشوار مطالب این‌گونه می‌نمایاند که بیشتر، مناسب همکاران هیأت علمی و نیز کاوشگران حوزه علم‌شناسی و روان‌شناسی است اما روشن است که در مقام آموزش، مضامین این کتاب را می‌توان برای دانشجویان سطوح دکتری، ارشد و کارشناسی به تناسب درس

و میزان توان و نیاز آنها، تبیین نمود.

نکته آخر این‌که، همانطور که آشنایان به آثار نگارنده واقف‌اند، اعتقادی ندارم که صرف پرداختن به ترجمه متون و ارایه آنها می‌تواند ما را به سطح بالایی معرفت علمی که عبارت از نقادی، تحلیل، بازتفسیر و فراتر از آنها تولید علم و نظریه پردازی نایل کند. علم با روشنایی، تحقیق و استقلال همراه با تعامل و مشارکت فعالانه معنا می‌یابد. آشکار است که تقلید، هویت خود و خودی را به دیگران تسلیم کردن، انعکاس نام و تمام از دیگران شدن، غفلت از ریشه‌ها و هویت‌های فردی و اجتماعی و روی آوردن به کاسبکاری و کسب وجهه کاذب اجتماعی با عناوین بی‌مسما؛ و آسف‌آورتر، رواج تقلب، داده‌سازی، پدیده انتحال (تولیدات پژوهشی و علمی دیگران را، نام خود طرح کردن)، و به هر ترتیب ممکن سر بر آستان کمی‌گرایانه ارتقاء علمی سپردن هیچ نسبتی با علم و کنش عالمانه ندارد.

اهمیت کار ریسنده کتاب و زحمات او، همانطور که برادر عزیزم دکتر فرجی و نیز نویسنده در پیش‌گفتار کرده‌اند کاملاً آشکار است. اما برای تطبیق مسائل مورد کاوش جناب کندلر با قضایا، دعاوی و بهامات که در اینجا مشاهده می‌شود و نیز فضای ذهنی خاصی که در جامعه روان‌شناسی ایران می‌گذرد، به، مقدمه تفضیلی از کتاب فراهم آمد که ضمن توضیح نکات مهم کتاب، از منظر سه نفر به نظر می‌رسد در حوزه‌های علم‌شناسی، روش‌شناسی و فردشناسی مورد نقد و واکاوی عمیق قرار گرفته است. اینجا که این مقدمه تفضیلی مربوط به کل مطالب است در ابتدای مجلد نهایی که مشتمل بر همه فصول کتاب است خواهد آمد.

قطعاً بازخوردهای همکاران و دانشجویان سخته‌تر و دشمنانه‌تر می‌تواند کاستی‌ها و نقایص احتمالی را در چای‌های بعدی برطرف نماید.

در آخر خدای عزیز و شفیق را سپاس می‌گزاریم که بی‌فقت تمام سپاسگزاریه‌ها و همه توانمندی‌ها از «او»، برای «او» و به سوی «او» است.

حمید لطفی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی / واحد تنکابن Lotfihdr@gmail.com

پیشگفتار

این کتاب محصول نهایی تفحص من در روان‌شناسی است. مشارکت من با روان‌شناسی وقتی شروع شد که لذت کارهای پژوهشی بنیادی را به سرپرستی سولومون آش^۱ چشیدم. بعدها بخاطر علاقه‌ام به روان‌شناسی گشتالت^۲، تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیلات به دانشگاه بروم. در آنجا بود که تصادفاً و نه با نقشه قبلی، توانستم درس سمینار پیشرفته را با کس دبایو اسپنس^۳ بگذرانم و همین اشتیاق مرا برانگیخت تا پژوهش‌هایم را با او به انجام رسانم. فته‌رفته دریافتیم که تفاوت‌های نظریه گشتالت و نورفانگرای هال^۴ - اسپنس - میلر تنها یامد رقابت میان فرضیه‌های نظری آنها نیست. برای فهم عمیق‌تر این تفاوت‌ها لازم بود که منی مختلف علم، راهبردهای پژوهشی و نظریه‌پردازی و حتی نظرانی را که درباره نقش علم در جامعه وجود دارد، بفهمم.

در جنگ جهانی دوم، وقتی که به عنوان یک روان‌شناس بالینی مشغول خدمت در ارتش بودم، علایق روش‌شناختی من بسط بیشتری یافتند. روان‌رمانگری، تفسیر آزمونهای مختلف روان‌شناختی، مشارکت در فعالیت‌های روان‌پزشکی و نظارت بر امور بیماران در یک بخش بیمارستانی، مرا با مسایل روش‌شناختی جدیدی روبرو ساخت که هرگز در آزمایشگاه با آنها برخورد نکرده بودم.

^۱ -Solomon E. Asch

^۲ -Gestalt

^۳ -Lowa

^۴ -Kenneth W. Spence

^۵ -Hull

دیری نباید که علاقه من به مسایل روش‌شناختی در روان‌شناسی، به سوی یک مسئولیت حرفه‌ای سوق یافت. به همین منظور برای طرح یک برنامه فارغ‌التحصیلی در دانشگاه نیویورک، درخواست کردم درسی را تحت عنوان مسایل مفهومی در روان‌شناسی بگذاریم. این چیزی بود که به کار همه دانشجویان می‌آمد و آنها را با ساخت روش‌شناختی روان‌شناسی آشنا می‌کرد. طرح من این بود که آراء روش‌شناختی متعارفی را که در روان‌شناسی وجود داشت و یا می‌توانست وجود داشته باشد، شرح کنم و به تحلیل تلویحات این آراء در تحقیق، نظریه و مقاصد اجتماعی بپردازم. آرزو می‌کردم طرحم را به سبکی خاص، به‌نام عمل بیوشانم، طوری که برای روشن کردن آن وجوه متعارض، نیازی به تجویز رویکرد خاصی نباشد. یقیناً این حالت خشتی، بخاطر آمایه ویژه‌ای که در پیشفرض‌های^۱ روش‌شناختی خود برگزیده بودم و یا به دلیل راهبردهایی که بر طرح پژوهشی من سایه افکنده بود، نمیتوانست دوام چندانی داشته باشد.

اما این واقعیت که چنین چیزی، یک رویکرد معتبر در روان‌شناسی نیست، مرا واداشت تا از هرگونه تعصب تبدیل‌شده^۲ من نسبت به آن دیگران را به پذیرش مواضع خود مجبور سازم، بپرهیزم. باید اضافه کنم که در نتیجه تائیس مکرر همان درسی که پیش‌تر گفتم، این تعصب کاملاً فروکش کرد.

از وقتی که تدریس این درس را در دانشگاه نیویورک شروع کردم تاکنون، مواضع من راجع به بسیاری از نکاتی که در این کتاب طرح کردم، تغییر کرده‌اند. این چیز عجیبی نبود. بحث‌ها و مناقشات پرشور و مطلوبی که با دانشجویان تیزهوش دانشگاه نیویورک^۳ داشتم، مرا واداشت به باز اندیشی مواضع خود بپردازم و برخی از نظراتم را اصلاح کنم.

^۱ - Assumption

^۲ - N.Y.U

از تدریس همین درس در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، دانشگاه هبریو جراسالم و سانتا باربارا^۱ نیز استفاده کردم.

اما یک فرض روش‌شناختی، همچنان پابرجا مانده بود. حمایت نهایی از هر عبارت روان‌شناختی نظری^۲ یا تفسیری^۳ باید با شواهد تجربی^۴ گره بخورد. مقصود این نبود که پاسخ همه سؤالات را مخصوصاً سؤالاتی که به مسایل اساسی وجود آدمی و سازمان اجتماع مربوطند تنها می‌توان در ظل شواهد تجربی یافت. تجربه‌گرایی^۵ محدودیت‌های روش^۶ دارد. اما آن محدودیت‌ها در سیطره یک استدلال فلسفی پیشینی^۷ قرار نمی‌گیرند.

باید از دپا تمناهای مختلفی در این باره تقدیر کنم. یکی از دوستانم در مرکز مطالعات پیشرفته در علم رفتاری^۸ مرا در طرح این کتاب یاری کرد. در تمام مراحل انجام این پروژه، از پیشنهادات و انتقادات ضروری و سازنده تریسی. اس. کندلر^۹ بهره بردم. جرالذ زوریف^{۱۰} انتقاد سازنده‌ای کرد که برای تدارک بخش نهایی کتاب، بسیار ارزشمند بود. بحث‌های سرشار از مخالفتی که با روی^{۱۱} پیمن^{۱۲} داشتم، به روشنی بیشتر این کتاب کمک کرد. دیوید مسیک، جان فولی و تی. اس. کراو^{۱۳} پیشنهادات بسیار مفیدی ارائه کردند. من مدیون همه دانشجویانی هستم که در اینجا از ایشان نام بردم. در برخی موارد، منبع خاصی را در متن ذکر کردم آنهم به این خاطر که تمام متن^{۱۴} عیده خاصی را در بر می‌گرفت. تصور نکنید که من طالب تحریف یا بیش ساده‌سازی مطالب^{۱۵} بوده‌ام.

^۱ -California, Berkeley, Hebrew University of Jerusalem

^۲ - theoretical

^۳ - Interpretive

^۴ - empirical

^۵ - empiricism

^۶ - Priori philosophical reasoning

^۷ -Ttacy S. Kendler

^۸ -Gerald Zuriff

^۹ -Roy Lachman

^{۱۰} -David Messick, John Foley, T.S.Krawiec

بجای بحث راجع به این که آیا من توانستم یک موضع خاص را به نحوی مطلوب شرح کنم، فکر می‌کنم بهتر این است که خود آن عقیده را به تنهایی به بحث و مناظره بگذاریم. در خاتمه برای این که عذری بجا نماند، مسئولیت کامل همه نظرانی که در این کتاب آمده است، می‌پذیرم.

کسان دیگری هم بودند که در این پروژه همراهیم کردند. بیشترین کمک از جانب کریستین وایتهد، جی نیل برادفورد، کارولین شر و چریس کلارک بود.^۱ من از ایشان بخاطر اهتزاز من که نسبت به وظایف خود داشته‌اند تقدیر می‌کنم. به عنوان آخرین سخن باید بگویم مایلم که دین خود را نسبت به ملانی میلر^۲ هم در انتشارات دانشگاه اکسفورد ادا کنم.

هاوارد. اچ. کندلر^۳

سانتا باربارا ژانویه ۱۹۸۱

^۱- Christine Whitehead, JeNeal Bradford, Carolyn Scherrer, Chriss Clark

^۲-Melanie Miller

^۳-Howard H. Kendler Santa Barbara